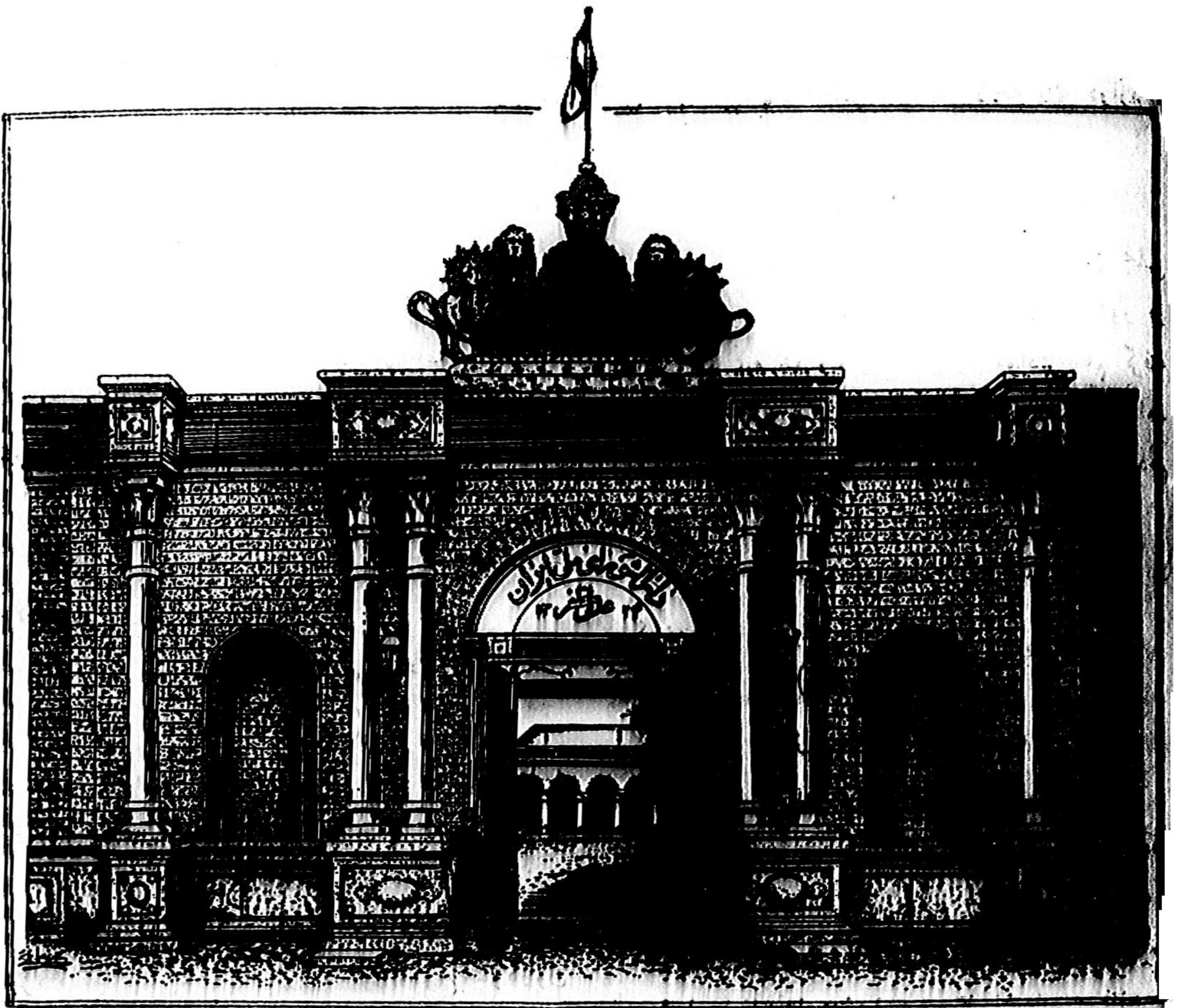


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۰۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۶۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ شعبان المعظم ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بخرید کمیسیون بودجه راجع به یک دوازدهم بودجه های مملکتی برای دی ماه ۱۳۰۶ و ارجاع مجدد آن بکمیسیون	۲۲۵۵	۲۲۵۸
۲	بقیه شور ثان قانون بلدی (از ماده ۴۱)	۲۲۶۰	۲۲۷۵



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۰۶. مطابق ۴ شعبان المعظم ۱۳۴۶

### جلسه ۲۰۰

<p>غائبین با اجازه جلسه قبل آقایان : ابلخان - دشتی - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی میرزا حسن خان وثوق - پالیزی غائبین با اجازه جلسه قبل</p>	<p>(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید) (صورت مجلس یوم پنجشنبه چهارم بهمن را آقای زکھبان قرائت نمودند)</p>
---	---

آقایان: ذوالقدر - اسدی - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - افسر - حاج شیخ بیات - دکتر مصدق - حاج حسن آقا ملک - بنی-سلیمان حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: روحی - آیه الله زاده خراسانی - شریعت زاده - میرزا محمدتقی طباطبائی - نجومی - هار - ثقة الاسلامی محمود رضا

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: زوار - قوام شیرازی - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا مسعود - زنکنه

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد

(گفتند خیر)

وزیر مالیه - در جلسه گذشته قبل از ختم جلسه که بنده مرخص شدم تقاضا کرده بودم خبر کمیسیون بودجه راجع بیک دوازدهم در اول دستور مطرح شود حالا نمیدانم جزء دستور شده یا خیر؟ تقاضا میکنم اگر جزء دستور شده در درجه اول دستور مطرح شود چون خیلی مختصر است و زود تمام میشود

رئیس - پیشنهادی هم در این خصوص رسیده است

(پیشنهاد آقای اعتبار اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه مربوطه به یک دوازدهم جزء دستور مطرح شود

بعضی از نمایندگان - مخالفیم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - مخالفت آقایان تصور میکنم برای این است که طرحی که راجع به مستخدمین مجلس است جزء دستور شود البته این طرح لازم است و تصویب هم خواهد شد ولی تاخیرش موجب زحمت اشخاص نمیشود و اما تاخیر این لایحه یک دوازدهم که موجب تعویق حقوق مستخدمین و سایر مخارج مملکتی است اسباب زحمت خواهد شد از

این جهت پیشنهاد کردم که لایحه یک دوازدهم مقدم باشد

رئیس - آقای بیات

بیات - چون آن لایحه راجع به مستخدمین مجلس چند روز بود که جزء دستور بود و بالاخره شور در کلیاتش هم تمام شد و برای در ورود موادش هم گرفته شد دو ماده بیشتر نیست بنده گمان میکنم اشکالی نخواهد داشت که این لایحه بگذرد بعد لایحه یک دوازدهم مطرح شود

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است ماده واحده

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی را برای یکماهه دی ۱۳۰۶ بمیزان یک دوازدهم بودجهها و اعتبارات مصوب ۱۳۰۵ و بر طبق قوانینی که شامل این قبیل پرداختها میشود برسم علی الحساب بپردازد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با اینکه بایستی حقوق مستخدمین داده شود مخالف نیستم ولی مخالفم از این نقطه نظر است که چرا باید در این مملکت در عرض بیست و چهار سال بیست و پنجسال مشروطیت یک بودجه صحیحی به مجلس نیامده باشد و نگذشته باشد و هر دو ماه بدو ماه یک جلسه دو جلسه باید وقت صرف کنند و هی دو دوازدهم با یک دوازدهم بگذرانند بنده عرض میکنم که اگر ما بخواهیم مثل اروپائیها ترقی بکنیم هر طرزى که آنها رفتار میکنند ما هم بایستی همانطور رفتار کنیم بودجه سال بعد آنها دو ماه سه ماه قبل از سال جدید مجلس شان می آید و تصویب میشود ولی از ما اینطور است بنده تعجب میکنم که چرا در این مدت دولتها نتوانسته اند

یک بودجه صحیحی تنظیم کنند و از مجلس بگذرانند اگر ما بخواهیم ترقی کنیم راه ترقی این نیست که ما رذایل اخلاق آنها را بگیریم و اخلاق حسنه شان را دور بیندازیم باید یک فکری کرد که فکر باشد

شیرازی (مخبر کمیسیون) اتفاقاً این اصل یک دوازدهم تقریباً مطابق سلیقه آقای فیروز آبادی است برای اینکه ایشان همیشه مخالف این هستند که پادشاهی بمخارج مملکتی اضافه شود و عقیده شان این است که باید مخارج مملکتی در یک حدی منجمد بماند در سنه ۱۳۰۴ ما یک روپیه داشتیم برای خرج کردن بودجه هم برای او نوشته شد مبلغی را که در آن سال در نظر گرفته شده با مبلغی که برای ۱۳۰۶ پیش بینی شده است تقریباً یک میلیون زیادتر شده و بنده هم با آقای فیروز آبادی هم عقیده هستم که تکثیر خرج برای مملکت صلاح نیست پس هر چه این تکثیر کمتر بعمل بیاید سلیقه ایشان اعمال شده و عجاله آن بودجه اساسی که حضرتعالی در نظر دارید تا بحال برای این مملکت نوشته نشده در چند ماهه اخیر یکمده اشخاصی از اعضاء دولت و غیره نشسته اند و مشغول تدوین یک بودجه شده اند که حضرتعالی هم ملاحظه خواهید فرمود ولی این بودجهها جز تکثیر خرج چیز دیگری نیست و هر چه برخلاف اصول یک دوازدهم باشد ضرر مملکت است تا وقتی که بودجه اساسی بمجلس بیاید

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی بنده قبلاً این ماده شصت و پنج نظامنامه را میخوانم و از آقای آقا سید یعقوب مخصوصاً استدعای کنم که توجه فرمایند که بعد با یک صورت فوق العاده اعتراض نکنند ماده ۶۵ در قانون بودجه هیچ طرحی را که مستلزم ازدیاد مقرری یا مدد معاش یا وظیفه باشد بعنوان ماده الحاقیه یا بعنوان اصلاح نمیتوان پیشنهاد کرد و همچنین است طرحی که خواه مستلزم احداث تأسیسات یا شغل یا وظائف بوده (احداث) یعنی چه؟ یعنی چیزی که بموجب آن طرح پیشنهاد شود

که باید یک همچو ناسیسی کرد (خواه باعث توسعه هر یک از این سه فقره خارج از حدود قوانین جاریه باشد) یعنی آن ناسیساتی که هست پیشنهاد کنند که باید بسط بدهند و زیاد کنند حالا عرض خودم را می کنم از اول دوره پنجم تا بحال تمام را ما به دو دوازدهم گذرانده ایم چند مرتبه بنده عرض کرده ام که از مسئله دوازدهم دوازدهم این چند ماهه صرف نظر کنیم و بدولت اجازه بدهیم که برود مشغول تهیه یک بودجه صحیحی باشد دولت دو دوازدهم پیشنهاد کرده است برای ماددی و همین فقط یک دوازدهم تصویب کرده اند دو دوازدهم دیگر مانده است بانتظار تصویب بودجه بنده هر چه فکر میکنم که تصویب بودجه چه اثری در این یک دوازدهم یا دو دوازدهم خواهد کرد و عقلم بجائی نمیرسد جز اینکه کار ادارات را معوق بگذارند و حقوق اشخاص را ندهند و بالاخره باز چهار روز دیگر دو دوازدهم دیگر را هم تصویب کنند آیا تصور میفرمائید از حالا که ششم بهمن است تا آخر بهمن یا تا آخر اسفند بودجه تصویب خواهد شد ۱۲ نخواهد شد پس چه ضرری دارد که ما سه دوازدهم را یکجا تصویب کنیم و آنوقت وقتمان را صرف تصویب بودجه ۱۳۰۷ نکنیم و این اضافاتی را هم که الان در بودجه منظور شده بعد صورت ان اضافات را بیآورند و ما تصویب کنیم این دوازدهم دوازدهم بالاخره مجلس را از آن نظارت واقعی در بودجه مملکتی دور میکند بنده با آن لایحه پیشنهادی دولت هم موافق نیستم برای اینکه ما این چه زحمتی است که می بخوریم؟ بنابر این بنده پیشنهاد میکنم که این سه دوازدهم را بکمرتبه تصویب کنیم و این پیشنهاد بنده نه اجازه مخارج است و نه احداث تأسیسات و نه اضافه و نه مدد معاش و نه توسعه تأسیسات موجوده است که مخالفت با ماده شصت و پنج باشد

آقا سید یعقوب - بنده اخطار دارم (نه آقای رئیس)

بان آقای هشتم دوره وکیل ...

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده با آقای فهیمی موافق اجازه میفرمایید عرض کنم

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - بنده اینکه آقایان فهیمی ماده نظامنامه را در موقع مخالفت قرائت فرمودند هیچ اهمیتی که این ماده نظامنامه چه مربوط با این موضوع بخصوص است برای اینکه يك پیشنهادی شده است آمده است در کمیسیون و دو دوازدهم بوده کمیسیون بودجه هم يك دوازدهم تصویب کرده حالا شما میفرمایید سه دوازدهم بدویم آقا ما تجربه داریم در دوره گذشته خودتان هم با ما همراه بودید چهار دوازدهم آمدیم دادیم دولت تشریف برد پی کارش دیگر ابدأ حاضر نشد بودجه اش را تنظیم کند پس این يك دوازدهم برای ما بهتر است و اگر مجلس صلاح دانست تصویب میکند و الا نه و این را هم آقا بایستی تصدیق بفرمایند که مجلس باید کار بکند و آن مجلس که کار میکند يك مجلسی است که بودجه مملکتش را که میلیارد ها است در ظرف دو روز تمام میکنند ولی ما برای مخارج یکماهه مملکت در اینجا تمام مشغول نطق و مذاکره هستیم آنوقت آن آژان با آن امنیت و بالاخره تمام چرخهای مملکتی معطل است و برای آن محبوس هم که در آنجا حبس است صد دینار ندارند آش بخزند بخورد و میگویند مجلس هنوز اجازه نداده است و بالاخره راه آهن تبریز را هم میگویند که يك دوازدهم تصویب نشده است که ذغال سنگ برایش تهیه کنند. الان ما چند بودجه در کمیسیون گذرانده ایم اگر فرصت دارند آقایان که وارد مذاکره شوند آنها را بیاورند در مجلس شورای ملی و بگذرانند و موافقت بفرمایند که بگذرد و بیش از این هم این موضوع مذاکره لازم ندارد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بامداد - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

بامداد - بنده با اصل يك دوازدهم مخالفتی ندارم زیرا ما تا تشکیلات نداریم همین حرفها هست ولی میخواستیم به بنده اجازه بدهند که يك تبییضاتی که در پرداخت دوازدهم ها راجع به بعضی ولایات شده به عرض برسانم به منتظرین خدمت که اعضاء ضعیف وزارتخانهها هستند سه ماه است حقوق داده نشده. بنده میخواستم اگر اجازه میفرمایید این را اظهار کنم و آقای وزیر بفرمایند که جهت این تبییض چیست که به آنها داده میشود؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض میکنم این اعتراض که آقای بامداد فرمودند در اجرای قانون است در اصل قانون مخالفتی ندارند البته مجلس باید مراقبت کند که حقوق مأمورین بطور تساوی و منظم داده شود و این به يك دوازدهم ربطی ندارد مگر اینکه این را وسیله قرار داده باشند برای اینکه يك تذکری بدهند و امیدواریم بعد از این ما محتاج به يك دوازدهم نشویم در این قسمت هم بمقیده بنده مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه

مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادها قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا میرزا عبدالحسین

پیشنهاد میکنم يك دوازدهم نسبت بوزارتخانه که بودجه

اش را بمجلس تقدیم نموده بحری شود

میرزا عبدالحسین - بنده مسترد میدارم

پیشنهاد جمعی از آقایان نمایندگان

امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میکنیم بلاوجه دولت

رای گرفته شود ثابت - ملک آرائی - ایقوان - کازرونی  
ابوفی - ضیاء - عدل - مولوی - دکتر رفیع امین -  
چواد امامی

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم که بلاوجه دولت که دو دوازدهم است

رای گرفته شود

پیشنهاد آقای استرآبادی

پیشنهاد میکنم که بلاوجه دولت که مشتمل دودوازدهم

است رای گرفته شود

پیشنهاد آقای زوار

بنده پیشنهاد میکنم مخارج مملکتی را بمیزان سه دوازدهم

تصویب فرمایند

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم که به دو دوازدهمی که دولت

آورده مجلس رأی بدهد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده کیهان میکنم در این جا محتاج نباشد

که يك توضیحات مفصلي داده شود و بنده خیلی متشکرم

از آقای فهیمی که يك تذکرات قانونی دادند و همه

ماها یقین داریم که دو دوازدهم دیگر هم باید همین

طور تصویب شود. پس بهتر این است که ما يك مرتبه

این کار را بکنیم که هم صرفه دولت و هم صرفه ملی است

بعلاوه يك فرقی هم در آن لایحه که دولت تقدیم کرده

نسبت برابری که از کمیسیون رسیده است هست که

البته بایستی بر طبق آن طرحی که دولت تقدیم کرده

رأی گرفته شود و آن این است که در لایحه دولت نوشته

میشود: وزارت مالیه مجاز است مخارج مملکتی را ثابت

دوماهه دی و بهمن ۱۳۰۶ بمیزان دودوازدهم بودجه

های مصوب ۱۳۰۴ تأدیه نمایند (بودجه های مصوب

۱۳۰۴) در خیر کمیسیون وجود ندارد و بطور کلی می

گویند در حدود بودجه ها از این جهت البته این اصلاح

لازم است

مخبر - عرض کنم که چون قسمت اول پیشنهاد آقای کازرونی موافقت با نظامنامه ندارد البته مجلس جواب خواهد داد چون پیشنهاد خرج است آنها يك برج خرج را وکیل نمیتواند پیشنهاد کند بعضی از نمایندگان - خرج نیست

مخبر - اجازه بفرمائید بعد ممکن است جواب بنده

را بدهید و اما راجع بقسمت دوم ممکن است ایشان را

مطلع کنم که پیشنهاد کمیسیون صحیح است برای این

که بعد از بودجه های مصوبه ۱۳۰۴ يك میزان پرداختی

را مجلس شورای ملی همیشه در نظر گرفته بودند و آن

عبارت از اسفند ۱۳۰۴ است که اگر غیر از او را

در نظر بگیرند در پرداخت بودجه های تمام مملکت

اشکالات محاسباتی میشود بعلاوه اینکه ما در آنجا

کنجالده ایم بارعایت قوانینی است که بعد گذشته است.

راجع بودجه اگر آنجا ذکر نشود باز دولت دچار

مشکلات میشود. بالاخره مثل این است که شما این

يك دوازدهم را تصویب نکرده باشید و بالاخره جز آن

فورمولی را که در کمیسیون بودجه با توافق نظر دولت

نوشته شده است شکل دیگر نمیشود کرد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد مراجعه میشود بکمیسیون.

پیشنهاد آقای رفیع

(شرح ذیل قرائت شد)

اینجناب پیشنهاد میکنم که پس از لایحه يك دوازدهم

طرح راجع به معافیت اهالی میناب از تأدیه مالیات

جزو دستور شود

حاج آقا رضا رفیع - عرض میکنم دوسه فقره لایحه

است که در مجلس شورای ملی معطل مانده و هرروزه

ما يك کارهای عمومی داریم و به اینها نمیرویم یکی از

آنها همین طرح است که ده دقیقه کار دارد که قابل

توجه شود و برود در کمیسیون و حقیقه خوبست نمایندگان محترم به مردمان آنجا رحم کنند و موافقت بفرمایند که جزء دستور شود و بگذرد

رئیس -- مقصود این بوده است که پیش از اینکه کمیسیون مبتکرات خبر بدهد مطرح شود رفیع -- بعد

رئیس -- هنوز خبرش نرسیده است. آقای کازرون کازرون -- کمیسیون مبتکرات قدیم خبرش را داد و تقدیم مقام ریاست هم شد و جزء دستور هم بود مطرح نشد و عقب افتاد تا اینکه نظریات دولت هم جلب شد باز هم بعد از جلب نظریات دولت خبرش تقدیم مقام ریاست شد

رئیس -- کمیسیون جدید هم باید خبر خود را بدهد پیشنهاد جمعی از آقایان (اینطور خوانده شد)

اینجانبان تقاضا داریم اصلاح مواد يك و هفت قانون مجزی که طرح پیشنهادی آن تقدیم شده بود به قید يك فوریت در مجلس شورای ملی مطرح شود. محمد ولی میرزا -- لبقوانی و بعضی دیگر

رئیس -- آقای محمد ولی میرزا -- بنده توضیحات زیادی در اطراف این پیشنهاد نمی خواهم عرض کنم فقط يك مسئله است که خاطر آقایان محترم مسبوق است که در مدتی قبل از این جمعی از آقایان طرحی تقدیم کردند و توضیحاتی هم در اطرافش داده شد و ارجاع شد بکمیسیون مبتکرات متاسفانه کمیسیون مبتکرات برخلاف نظامنامه عمل کرده است زیرا کمیسیون مطابق نظامنامه مکلف است در ظرف پانزده روز تظلم یا اثباتاً را برنی تهیه نموده و تقدیم مجلس بکند این طرح قریب پنجاه روز است بکمیسیون مبتکرات رفته و ابداً خبری از او نرسیده تقاضائی که جمعی از آقایان دارند این است که بیک فوریت رای بدهند که

این لایحه برود بکمیسیون قوانین مالبه و در آنجا با تبادل نظر دولت و وزارت مالبه قضیه حل شود لذا بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان هم رای بدهند رئیس -- آقای روحی

روحی -- عرض کنم در قسمت بدوی دستور مجلس لایحه اصلاح قانون استخدام مستخدمین مجلس بود بعد آقایان تقاضا کردند که مسئله يك دوازدهم مطرح شود مجلس هم موافقت کرد بنده حالا تقاضا دارم که آقایان موافقت بفرمایند که این اصلاح راجع بقانون مستخدمین مجلس مطرح شود دقایقه هم بیشتر کار ندارد و ورود در موادش هم رای داده شده است دو ماده است و فوری تمام میشود و ما تا خودمان را اصلاح نکنیم عقیده ندارم بدیگران پردازیم

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای محمدولی میرزا را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای زوار بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه را جمع به حقوق محمد رضا میرزای معزی در درجه اول جزو دستور شود

رئیس -- بفرمائید زوار -- عرض کنم تقریباً یکساعت است یا روی دستور حرف میزنیم یا روی پیشنهادات و از هیچکدام هم نتیجه نگرفته ایم بنده تصور میکنم بهترین نتیجه این است که ما مطابق راپورتنی که کمیسیون بودجه داده است بکنفری را از نقطه نظر عام احیاء کنیم. دو سه دقیقه هم بیشتر کار ندارد و این شخص هم معطل است و میخواهد برای تحصیلانش برود بارها و دولت هم چیز نازک بار نخواهد داد. حقوق پدرش که خدمت کرده است اینطور تشخیص داده اند که ما هم

بیست تومان به پسرش بدهند و او هم در شرف حرکت است که برود بارو بیا و بر گردد برای ملککش يك خدمتانی بکند لهذا استدعا میکنم آقایان موافقت بفرمایند که در ظرف دو دقیقه تمام شود

رئیس -- آقای رفیع حاج آقا رضا رفیع -- عرض کنم نماینده محترم در اینموقع که آقایان نتلاف میکردند روی پیشنهاد ایشان متذکر شداد که مجلس چیزی در دستور ندارد و تصور کردند که شاید این مسئله مهمی است اما اگر بدانند که این موضوع از این مسئله که میفرمایند مقدم تر است خودشان موافقت بفرمایند که چیزهای مقدم اول بگذرد و این مسئله در درجه دوم واقع شود

رئیس -- پیشنهاد آقای ضیاء (بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد میشود قانون بلدیة جزو دستور شود

رئیس -- بفرمائید ضیاء -- عرض کنم توضیح مفصلي در اینخصوص ندارم و این هوکول به احساسات خود نمایندگان است. آقایان نمایندگان متوجه هستند که قانون بلدیة فعلی بمناسبت اینکه در دوره چهارم و پنجم و ششم مورد توجه و تجدید نظر بوده است از قوت قانونی افتاده است نمایندگان ابالات و ولایات میدانند که حکام نسبت به بلدیة ها چطور رفتار میکنند و آقایان می بینند که دائره شهرها چطور خراب است و دولت توجه نمیکند. فقط طهران است که خوشبختانه بلدیة اش دارد يك کارهای قابل توجهی میکند. نمایندگان ولایات از نقطه نظر اینکه خدمت بنقاط و محل خودشان خدمت بکنند باید نسبت بیک موضوعی که رعایت حیثیت نمایندگی لازم است و مربوط صلاح مملکت است بیشتر توجه بفرمایند و چند ماده هم بیشتر ندارد این است که پیشنهاد کرده ام در درجه اول جزو دستور باشد

رئیس -- آقای روحی

روحی -- بنده عرض میکنم عوض این پیشنهاداتی که میدهند اگر آقایان موافقت بفرمایند لایحه اصلاحی قانون استخدام مجلس جزو دستور شود بهتر است بعد بنده هم با حضرتعالی موافقت میکنم که آن لایحه مطرح شود

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای ضیاء را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده چهارم و يك قانون بلدیة مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۴۱ -- قسمت اداری بلدیة در تحت مدیریت بکنفر مدیری خواهد بود که بترتیب ذیل معین میگردد وزارت داخله برای مدیریت اداری بلدیة هر شهری سه نفر را که دارای صلاحیت و شرایط لازمه اداری و اهل محل باشند بوسیله حکومت بانجمن بلدی معرفي و انجمن بکنفر را از بین آنها به رأی مخفی و با کثرت نامہ انتخاب و حکم او از وزارت داخله صادر خواهد شد

رئیس -- آقای بامداد بامداد -- نظر به تجربه اخیری که از بعضی بلدیة ها برای بنده حاصل شد و اقداماتی که اخیراً کرده اند و دوسیه بزرگی در وزارت داخله پیدا کرده و بنده موافقم که يك مرجع قطعی برای حکومتها در موقع اختلاف ما بین حاکم و بلدیة باشد و آن وزارت داخله است و باید بکنفدری بوزارت داخله اختیار داد زیرا در يك مواقعی که ضیق خناق میشود يك تصمیماتی بلدیة ها میگیرند که حقیقه صلاح شهر نیست. این است که بنده مخالف بودم و نظر بهمین تجربه و دفاعی که خبر محترم می کرد بنده موافقت کردم ولی در این ماده

هیچ نمیشود موافقت کرد و مثل این است که حقیقه حکام در وزارت داخله نشسته باشند و این ماده را نوشته باشند. این ماده بکلی تمام احساسات و نظریاتی که از اول لایحه تا بحال نسبت باستقلال بلدییه ها داشتیم از بین برده است. مخصوصاً قسمت (شرایط لازمه اداری) شرایط لازمه اداری اینجا مجمل است و همچو بنظر میآید که یعنی اهلیت و صلاحیت برای اداره کردن. ولی خیر. شرایط لازمه اداری یعنی سابقه خدمت داشتن. بدلیل اینکه در ماده بعد این را تصریح و معین میکند. در ماده چهارم سه میگوید: (اعضاء اداری بر طبق مقررات قانون استخدام و مستخدمین جزء بتصویب انجمن و بحکم اداره بلدییه معین میشود) پس معلوم میشود صلاحیت اداری که در این ماده چهل و یک قید کرده است معنایش این است و این بد بخت میکنند شهر ها را و هیچ نمیتوان آنطوری که لازم است رعایت شهر ها را کرد. همه شهر ها که شهر های مهم در جه اول نیستند. این قانون که مخصوص بانها نیست تمام شهر ها را شامل است تبریز، شیراز، اصفهان، مشهد کرمان. مثلاً شهر کرمان را می گویم: ممکن است يك اشخاصی از منتظرین خدمت در آنجا ها پیدا بشود که اینها اهلی باشند و البته بومی مقدم بر مرکزی است و میشود این را يك کاری کرد ولی فرض بفرمائید فسا یا اصطهبانات یا ارومیه و این حوزه های دیگر که حوزه های جزئیند اینها منتظر خدمت کجا دارند؟ اینها صلاحیت اداریشان کجا بود؟ ول کنید آقا بگذارید این مؤسسه اقلاً مال مردم باشد يك انجمنی مطابق همین شرایطی که این جا قرار داده اند می آیند حاکم هم می آید. مردم هم می آیند و يك اشخاصی را دعوت میکنند و از میان خودشان مردم يك کسی را از اهل شهر که خوب می شناسند انتخاب میکنند و میگویند آقا مطابق این قانون امور شهر را اداره کن سهل و ساده و هیچ خرج زیاد هم ندارد تا اینکه بروند

يك نفری که دارای صلاحیت اداری باشد یعنی هشتر نهش درست باشد. نود و نهپیش درست باشد پیدا کنند هیچ لزومی ندارد. بگذارید فلان شهر کوچک فلان قصبه بدبخت که در ماه صد تومان عایدی دارد هفت هشت تومان بدهند بیکنفری که افتخار این کار را قبول کند خانه اش هم آنجا هست کاری هم ندارد کار های شهر را هم انجام میدهد. بنده از روی آن تجربه که عرض کردم موافقم. که يك مرکزی باشد برای قطع و فصل اختلافات ولی این یکی یکی نظریات شما را از میان میبرد

احتشام زاده (مخبر کمیسیون داخله) - چندین نکته است که تصور میکنم کمیسیون داخله هم کاملاً موافقت دارد. یکی این است که بلدییه يك مؤسسه است مستقل و ملی و این هیچ محل نزدیک نیست ما هم دارای همین نظریه هستیم و یکی اینکه بلدییه باید بوسیله خود مردم اداره شود و بهمین جهت قائل شدم که انجمن بلدییه باید حاکم باشد بر مسائل مربوطه بلدییه. ولی يك مسئله را البته نمایندگان محترم در نظر دارند و مخصوصاً بنده تذکر میدهم و آن حسن اداره بلدییه است که در نظر داریم بلدییه ملی باشد، مال مردم باشد برای چه؟ برای اینکه آن بلدییه کاملاً بتواند حوائج شهر را تأمین کند. برای تحصیل این نظر بنده تصور میکنم بایستی آن کسی که ادارات بلدییه در دست او است و اداره میکند يك آدمی باشد که از جریان کارهای اداری مطلع باشد و الا يك اشخاصی که بکلی از جریان اداری بی اطلاعند اگر ما بخواهیم آنها را در رأس اداره بلدییه قرار دهیم بنده خیال میکنم که کاملاً نقض غرض شده باشد و برای اینکه نظر انجمن را تأمین کرده باشیم اختیار دادیم بوزارت داخله که از اوضاع محلی مطلع است سه نفر را از اشخاصی که محلی باشند و کاملاً بوضعیات شهر مطلعند و ضمناً از اصول و جریان اداری هم مطلعند آنها را پیشنهاد کنند به انجمن و انجمن هر کدام را که اصلح

بباید برای ریاست و مدیریت بلدییه انتخاب میکنند و چون کار اداری است حکم او را از وزارت داخله صادر میکنند کمیسیون داخله و نمایندگان هم این نظر را دارند که بلدییه يك مؤسسه باشد برای حسن اداره شهر و برای تأمین این نظر هیچ چاره نداریم جز اینکه بگوئیم آن کمیسیون کمیسیون بلدییه میشود از اصول اداری مطلع باشد و در اینجا قسمت را بنظر انجمن واگذار کردیم برای اینکه کاملاً نظر اعضاء انجمن تأمین شده باشد.

رئیس - در فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود پیشنهاد آقای میر ممتاز پیشنهاد میکنم که ماده بکمیسیون مراجعه شود پیشنهاد آقای حاج آقا رضا رفیع بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۱ بکمیسیون برگردد و در آنجا اصلاح شود رئیس - آقای میر ممتاز

میر ممتاز - در کمیسیون ماده (۴۰) و (۴۱) با ارتباط به یکدیگر تنظیم شده بود و در آنجا بعد از مذاکرات زیاد بالاخره قائل شده اند که يك رئیس تشریفاتی شهر داشته باشد بعنوان ریاست عالی بلدییه و يك رئیس اداره بعنوان مدیر و چون در قسمت ماده چهل که مطرح شد بالاخره با آن نظریاتی که مجلس پیدا کرد مراجعه شد بکمیسیون لهنذا بنده پیشنهاد کردم ماده چهل و يك هم برگردد بکمیسیون که همانطور که در بند امر در کمیسیون ماده ۴۱ و ۴۰ با ارتباط بیکدیگر تنظیم شده ماده چهل و يك هم از روی همان زمینه درست شود که هم آن نظریات اولیه تأمین شود و هم این قیافه مجلس که معلوم میشود موافقت و میل ندارند که نظریات وزارت داخله را انجمن بلدی ملزم باشد قبول کند رعایت کرده باشند باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم

مخبر - بنده هم موافقت میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون و استدعا میکنم اگر ممکن باشد سایر پیشنهاداتی

را هم که آقایان برای ابتاده تهیه کرده اند که تقدیم مقام ریاست کنند مراجعه شود بکمیسیون که کاملاً کمیسیون از نظر آقایان نمایندگان مطلع باشد و ناچلب نظر آقایان يك تجدید نظری بشود.

آقای سعید یعقوب - اجازه میفرمائید در این قسمتی که آقای مخبر فرمودند عقیده بنده این بود که آقای مخبر بهتر این است يك قدری صبر کنند که نظریه مخالفین هم در ابتاده معلوم شود چون مخالفین يك نظریاتی دارند که مختلف است حالا که شما موافقت کردید بگذارید نظر مخالفین هم معلوم شود و پیشنهاد کنند آنوقت بروید اصلاح کنید و الا پیشنهاد بکنفر را خواندن و بکمیسیون ارجاع کردن گمان نمیکم خوب باشد کازرونی - پیشنهاد ها قرائت بشود رفیع - اجازه میفرمائید؟ رئیس - بفرمائید

رفیع - بنده که پیشنهاد کردم این ماده برگردد بکمیسیون برای این بود که تقریباً افکار مجلس شورای ملی و اکثریت نمایندگان معلوم شد نمایندگان مایل نیستند باینکه در يك مؤسسه ملی مستخدمین دولتی در آنجا مشغول خدمت باشند در صورتیکه اشخاصی در آنجا هستند که کار ندارند و تا ما کار خانه درست نکرده ایم و تا کار برای مردم تهیه نکرده ایم همین است بالاخره باید مردم اعاشه داد. مردم را مشغول کار کرد آقای مخبر هم مطلع و متذکر شدند که روح پیشنهادات مجلس این است بالاخره وقتی برگردد بکمیسیون کمیسیون اختیار میدهد بانجمن که بنام اهل محل هماط و ریکه صلاح میداند خواه مشمول قانون باشد خواه نباشد حق بدهد که اینطور که خود وزارت داخله انتخاب کند رئیس - رای میگیریم با رجوع بکمیسیون آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهل و دو  
(مضمون آن قرائت شد)

ماده ۴۲ - نظامنامه تشکیلات و وظائف اداری  
بلدیه به پیشنهاد مدیر بلدیه و تصویب انجمن بلدیه و  
امضای حاکم مقرر میشود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده همچو گمان میکنم که این ماده هم  
مربوط ماده چهل و یک است میگوید: به پیشنهاد مدیر  
شاید ما قائل نشدیم که این مدیری که در ماده چهل و  
یک است بر قرار باشد. شاید این ماده حذف شد. بنا  
بر این ما یک چیزی را تصویب کنیم در صورتیکه  
اصلش مسلم نیست البته صحیح نیست. شاید قناعت  
کنند به رئیس تنها و همان رئیس انجمن بلدیه را  
اداره کند و محتاج نباشد باینکه یک مدیر جداگانه  
داشته باشد و بالاخره بنده عرض میکنم که این ماده  
هم بر گردد بکمسیون.

مخبر - بنده خیلی تعجب میکنم برای اینکه آقایان نمایندگان  
محترم عموماً یک توجه خاصی دارند نسبت به تسریع تصویب  
این قانون و این جا نظری را که آقای کازرونی اظهار  
کردند اگر چنانچه بخواهیم این نظر را کس و ادامه  
بدهیم ممکن است نسبت بنام مواد اعمال بشود و آنوقت  
تمام مواد را ارجاع بدهند بکمسیون. بنده اطمینان  
میدم به جنابعالی که در هر صورت هم اداره بلدیه مدیر  
خواهد داشت و هم انجمن رئیس و ایامه درست است  
و هیچ مربوط بان ماده نیست بلی ممکن است راجع  
بتعیین مدیر اختلاف نظری باشد که آیا بان ترتیبی که  
کمسیون در نظر گرفته است باید باشد یا بیک ترتیب  
دیگری ولی در هر صورت یک مدیر برای اداره بلدیه  
قطعی است و هیچ ممکن نیست تغییر بکنند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید بعقوب

(بان ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۴۲ عوض کلمه نامضای حاکم  
نوشته شود حاکم باید امضاء کند.

رئیس - بفرمائید

آقا سید بعقوب - این جا اینطوری که نوشته شده است  
در واقع نظر نامنامه را در تحت نظر هر دو قرار داده  
بنده میخواهم عرض کنم که آقای مخبر هم قبول کنند  
که نظامنامه را که انجمن و مدیرش نوشت حاکم باید  
امضاء کند و دیگر اراده قانونی برایش قائل نشوید

مخبر - کمسیون هم در نظر ندارد که حکومت بتواند  
رأی انجمن را تغییر بدهد ولی یک مصالحی هست که  
اگر بخواهیم این جا حکومت را ملزم کنیم بان که  
آن نظامنامه را که انجمن مینویسد امضاء کند ممکن  
است آن مصالح فوت شود عرض میکنم ممکن است  
انجمن نظامنامه بنویسد مربوط به تشکیلات اداری بلدیه  
و او آنوقت یک نظری داشته باشد نسبت به تشکیلات  
بلدیه که حقیقه آن نظر از نقطه نظر مصالح شهر خوب  
باشد اگر بخواهید این جا الزام را قید بفرمائید بنده  
تصور میکنم که آن مصالح فوت شود ولی اگر بان  
ترتیب اجازه بدهید تصویب شود تصور میکنم در عین  
اینکه نظر آقا کاملاً تأمین شده رعایت آن مصالح  
هم شده است بدون اینکه هیچ به استقلال بلدیه صدمه  
وارد شود.

کازرونی عکسش را هم فرض کنید.

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای آقا سید

بعقوب آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ماده چهل و سه

(بان ترتیب خوانده شد)

ماده ۴۳ - بلدیه هر شهر به تناسب اهمیت محل  
دارای اعضاء اداری و مستخدمین جزء خواهد بود اعضاء

اداری بر طبق مقررات قانون استخدام و مستخدمین جزء  
تصویب انجمن و بحکم اداره بلدیه معین می شود

تبصره - اشخاصی که مشمول قانون استخدام و محلی  
باشند در درجه اولی و مستخدمین فعلی بلدیه ها  
اگر چه مشمول قانون استخدام نباشند در درجه دوم  
حق تقدم خواهند داشت و الا اداره بلدیه متواند  
عده لازم را با تصویب انجمن از اهل محل که دارای  
صلاحیت اداری و واجد شرایط انتخاب کردن باشند برای  
خدمات بلدیه استخدام نماید

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این ماده دارای همان موقعیت است که  
ماده چهل و یک داشت و هیچ فرقی ندارد جز این  
که این صریح تر است. بنده عقیده ام این است  
همانطور که عرض کردم و نظر آقایان هم خوشبختانه  
موافقت داشت برای رفاهیت حال ولایات باید  
این مؤسسه را از حیث اعضاء و اجزاء یک قدری  
مرفه نگه داشت و مستقل تصدیق بفرمائید صاحب البیت  
آدری بما فی البیت. یک کسیکه بزرگ شده در یک شهری  
و جزئیات و کلیات و خصوصیات و حوائج آن شهر  
را میداند خیلی بهتر و دل سوز تر است تا بکنفری که  
از خارج برود به آنجا ولو هر قدر هم وظیفه شناس  
باشد. ممکن است این شخص را که وزارت داخله مأمور  
میکند خیلی وظیفه شناس و خوب باشد ولی آن اطلاعات  
را نداشته باشد. عرض کنم قانون استخدام یک  
قانونی است که نوشته شده و البته در یک قسمتهائی  
هم خیلی بدرد مملکت خورد یعنی اقلاً جلو هجوم به  
ادارات را گرفت ولی حتماً قابل اجرا نیست و در هر  
مملکتی که قانون استخدام هست یک قوانینی هم نسبت  
بهر طبقه هست و نسبت بهر یک از اعضاء وزارتخانه ها  
قانون خاصی دارد فرض کنید قانون استخدام ما شامل  
اجزاء سر بائی نیست در صورتیکه حقیقه آنها هم باید  
قانون داشته باشند. با فرض کنید شامل پلیس های

شهر و امنیه نیست در صورتیکه آنها هم باید مشمول  
باشند پس هر قانونی یک مستثنیائی دارد مخصوصاً  
در قسمت بلدیه هم باید یک قانون مخصوصی قائل شد  
و آن قانون و نظامنامه ایست که خودشان برای خودشان  
بنویسند البته بنده عرض نمیکم هر چه و مرجع باشد و  
همانطور که در ماده ۴۲ گذشت یک نظامنامه باید  
مدیر اداری بنویسد. چون او در کار اداری است  
و لایق تر است و بیشتر مساس دارد با احتیاجات آنوقت  
به انجمن پیشنهاد میکنند و انجمن تصویب میکند حاکم  
هم امضاء میکند و باید هم امضاء کنند بنده مخالف اینم  
چون فورمول قانون است و البته یک نظامنامه متحدالمال  
هم برای بلدیه ها خوب نیست زیرا مقتضیات هر شهری  
غیر از شهر دیگر است. مثلاً یک نظامنامه این جا در  
وزارت داخله تمام رؤسا نشستند و نوشتند این حتماً در  
موقع اجرا دچار اشکال خواهد شد زیرا اینها اولاً  
نگاه میکنند بطهران و قسمت جنوبی را هم در نظر نمی  
آورند چون کمتر از آنجا رفت و آمد میکنند آنوقت  
این تطبیق نمیشود با بلدیه فلان محل دیگر باید تفصلاً  
برای رعایت اهالی این مملکت این مؤسسه را تا حدی  
مستقل و آزاد گذاشت و مردم تقدیم کرد برای اینکه  
فوائدش برای خودشان است. نظافتش برای خودشان  
است. کثافتش هم برای خودشان است. هر چه هست  
مال آنها است بنا بر این سابقه خدمت دارد یا ندارد  
محل و غیر محل قبول بکند یا نکند موضوع ندارد همه  
باید محل باشند. البته یک انجمنی که منتخب یک شهری  
هستند از ده نفر تا بیست نفر یا سی نفر یا زیادتر یا  
کمتر اینها بهتر میخواهند وظیفه شان را در مقابل عموم  
اهالی شهر و منتخبین خودشان انجام بدهند. بکنفر را  
که میخواهند انتخاب کنند این شخصی که منتخب است  
باید دارای صلاحیت اداری در همان حدود خودش  
هست فرض بفرمائید اصطهبانات کسی که در آنجا است  
بهتر میتواند امور شهری آنجا را اداره کند تا بکنفری



که از اینجا با از شیراز برود...  
یک نفر از نمایندگان - آنجا نیست  
بامداد - چرا هست

چون این ماده میگوید باید سابقه داشته باشد منتهی  
اگر محلی باشد مقدم است بنده عرض میکنم اصلاً این  
سابقه استخدام را بیندازید دور مگر همه جا مستخدم  
دولتی دارید که میفرمائید مقدم است؟ این دلخوشی  
است! مستخدمین جزء را هم هر طور که خواستند  
انتخاب میکنند منتها مطابق يك نظامنامه که خودشان  
مینویسند که نتوانند هرج و مرج در خود آن اداره  
بکنند و الا این اسباب زحمت است

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - تمام نمایندگان متوجه این قسمت بوده و  
هستند که بلديه ها باید کاملاً مستقل باشند از هر حیث  
و در این ماده بخصوص مخصوصاً بنده نظر دارم که  
آقایان خیلی اهتمام داشتند و مخصوصاً جمع کثیری هم میآمدند  
در کمیسیون و نظر میکردند بالاخره يك روز با توافق  
نظر نمایندگان این موضوع مورد مذاکره شد که اگر  
بعضی از افراد اهل محل دارای سوابق قانون استخدام  
باشند. دارای آن شرایط باشند. در محل هم  
باشند اول آنها را در نظر بگیرند برای اینکه اطلاع  
دارند، برای اینکه شرایط اداری را دارد. این تبصره  
را که آقایان ملاحظه میفرمایند کاملاً مقصود را توضیح  
داده است میگوید اشخاصی که مشمول قانون استخدام  
و محلی هستند آنها در درجه اول. آقایان می بینند مخصوصاً  
در بزد و سمنان و اصفهان و شیراز يك بیچاره هائی  
بودند که در ادارات نواقل و در سایر ادارات دیگر  
مستخدم بودند و اطلاعات اداری دارند الان مستأسل  
و پریشانند. دولت هم هیچ توجهی بآنها ندارد و مادامی  
که منتظر خدمت در طهران دارد اعتنا نمیکند باینکه  
در کازرون هم يك بیچاره حق حیات دارد. از این  
نقطه نظر کمیسیون توجه کرد که برای این بیچاره هائی

هم که يك صورت زندگانی مختصری درست کرده اند و  
يك چهار صباحی ده تومان حقوق داشته اند و حالا  
بیکارند و دولت توجهی نمیکند يك رعایتی بحال آنها ندهد  
باشد در درجه اول آنها را در نظر گرفتند دوم آنهايي  
که مستخدمین فعلی بلديه ها هستند که مدتی مشغول  
خدمت بوده اند و اطلاعاتی دارند. آنها را چکار باید  
کرد؟ اگر حالا بیائیم و قائل شویم که می بایستی  
دیگران را آورد آن ها هم اهل این مملکتند آنها هم  
حق ارزاق و اعاشه و زندگانی دارند. فردا آن ها  
مورد رقت آقایان واقع میشوند، پس آنهايي که  
مستخدم هستند در درجه دوم از این دو مرحله که  
گذشت سایرین کسانی که بنظر انجمن هستند آنها را  
استخدام کنند این است نظر بنده.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالف با این ماده، بنده از  
آقای ضیاء دوست عزیز خودم خیلی متأسف شدم یعنی  
خیلی نه آن کله که فرمودید مستخدمینی که در آنجا  
هستند و کار میکنند با آن فرمایشی که فرمودید که  
مؤسسه بلديه عقیده ما این است که بکلی آزاد باشد  
بکلی با یکدیگر تباين پیدا میکنند، اگر مؤسسه مستقلی  
که ما میخواهیم او را آزاد قرار دهیم در عملیات خودش  
دیگر در انتخاب نوکرش قانون نمیخواهد ما حق دادیم  
باو که نظامنامه بنویسد او بیچاره برای خودش  
نظامنامه مینویسد آن چیزی که در تحت نظر خودش  
است از برای بلديه شهر ما حق هوش میدهم مطابق  
نظامنامه که خودش مینویسد اعضاء و اجزایش را معین  
کند دیگر کار نداشته باشیم که مستخدم دولت در درجه  
اول باشد یا مستخدم غیر دولت در درجه دوم بنده عقیده ام  
این است که همان فرمایشی که فرمودید (که مؤسسه بلديه  
باید دارای استقلال باشد و این حق را بکلی بخودش  
واگذاریم ما که مجلس شورای ملی هستیم او را خفه نکنیم  
و محدود نکنیم که باید تو مستخدمین خودت را اینطور

معین کنی) اگر ما این کار را بکنیم خوب نیست همین  
طور بنده که با این لایحه که هیئت رئیسه معین کرده  
اند موافق شدم برای این است که مجلس مستخدمین مجلس  
را اعم از اینکه بخواید از مستخدمین وزارتخانه های وارد  
یا نیارود باید مختار باشد چون يك مؤسسه است که  
ربطی به هیچ جائی ندارد خودش باید مطابق اراده و آزادی  
خودش معین کند همینجور انجمن بلديه يك نظامنامه  
دارد و مطابق آن نظامنامه اعضاء و اجزایش را معین  
میکند دیگر اینکه در قانون استخدام گفته ایم اگر  
یکساعت از ۹۹ زوردر آمده باشد حق داشته باشد  
با اگر يك کسی پنج دقیقه دیرتر آمده باشد حق نداشته  
باشد و آن کشتی را که آمده اند در قانون استخدام  
قائل شده اند (و حقیقه جای تأسف است) هیچ اینجا  
نیاروید و بنده هم يك پیشنهادی کرده ام با يك عده  
از آقایان نمایندگان محترم که مطابق ماده ۴۲ که حق  
نوشتن نظامنامه را بآنها دادیم حق تعیین انتخاب اعضاء  
و اجزاء را هم بخود انجمن بلديه بدهیم مطابق نظامنامه  
مخبر - البته در ضمن تطبیق يك کلیاتی با موارد  
اسباب زحمت میشود بایستی نگاه کنیم و ترتیب فعلی  
بلديه ها را در نظر بگیریم و ببینیم مصلحت چیست و  
بچه شکل بایستی تأمین کرد ترتیبات اداره بلديه و مستخدمین  
بلديه را. یکی از مسائلی که همه آقایان نمایندگان  
توجه دارند و علاقه مند هستند و کمیسیون هم کاملاً  
در نظر داشته است این است که مستخدمین اداری بلديه  
محلی باشند و از يك شهری بيك شهر دیگر مستخدمین  
را برای بلديه نفرستند. يك نکته دیگری که آقایان  
تصدیق میکنند این است که نباید مستخدمین اداری بلديه  
دچار يك هرج و مرجی باشند و هر روز يك انجمنی  
تشکیل شود يك عده را بیرون کنند و يك عده را  
داخل بکنند بلکه باید يك ترتیبی باشد که آنها هم با  
کمال اطمینان و استظهار مشغول خدمتگذاری باشند و  
توظیف خودشان را انجام دهند. يك نکته دیگر هم

که حتماً بایستی رعایت کرد و خیال میکنم همه آقایان هم  
علاقه مند هستند اینست که فعلاً يك عده از اعضاء  
بلديه چه در مرکز و چه در ولایات مشمول قانون  
استخدام هستند و اینها از نظر خدمت بلديه حقوقی  
از نظر استخدام دارند که بایستی ما سعی کنیم این  
ماده را که می نویسیم حقوق آنها هم تأمین شود که حق  
استخدام از آن ها سلب نشده باشد شما اگر این نکته را  
در نظر نگیرید يك ظلم فاحشی شده است نسبت بيك  
عده زیادی که چه در مرکز و چه در ولایات در  
خدمت بلديه هستند و مشمول قانون استخدام هستند  
و البته هیچیک از آقایان در نظر ندارید که حق آنها  
از نقطه نظر قانون استخدام از بین برود و البته همه  
علاقه مند هستند که آنها حقوق استخدامیشان محفوظ  
باشد یکی دیگر اینکه يك عده از مستخدمینی که فعلاً  
در بلديه ها مشغول خدمت هستند و مشمول قانون  
استخدام نیستند البته آنها از نقطه نظر اینکه مدتی  
در بلديه مشغول خدمت بوده اند يك بصیرت و اطلاعاتی  
در امور بلديه کرده اند البته باید بآنها هم حق داد  
که در بلديه مشغول کار شوند ما با رعایت تمام این  
مسائل آمده ایم يك ماده نوشته ایم باینکه تبصره که تمام این  
مسائل را تأمین کرده و استدعا میکنم آقایان کلیات را  
در نظر بگیرند و خیلی تابع احساسات نشوند بلکه  
وضعیت فعلی را در نظر بگیرند و به بینند چه جور  
بهرتر میتوانند مصلحت اداری بلديه را تأمین کنند بدون  
اینکه بحقوق بيك اشخاصی هم سخته وارد شود این است  
که استدعا میکنم با رعایت این نکات و مسائلی که  
کمیسیون در نظر گرفته است اصلاحاتی را که در نظر  
دارند پیشنهاد بفرمایند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که انجمن در صورت لازم دانستن  
بتواند از غیر اهل محل یک نفر را استخدام نماید  
(فیروز آبادی)

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود عقیده بنده هم این است که از خود اهل محل انتخاب شود اما يك وقت میشود که این اهل محل يك کسی است که از ترتیبات بلديه اطلاع ندارد مثل خود این مملکت که ما می بینیم بهیچوجه يك اشخاصی را که اطلاع از فلان کار داشته باشند ندارند و میروند استخدام از خارجه میکنند مثلاً در فلان شهر که از ترتیبات بلديه اطلاع ندارند و خود انجمن هم صلاح بداند حق داشته باشد يك نفر را از شهر دیگر ایران استخدام کند این بکمان بنده بد نیست که در صورت لازم دانستن انجمن يك نفر را خود انجمن بتواند استخدام کند و بلديه را اداره کند

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - يك مذاکرانی در اینجا میشود که بنده مجبور شدم اگر هم تکرار میشود باز حضور آقایان عرض کنم راجع باینکه قانون استخدام شامل بشود باجزای بلديه یا نشود بنده نمی دانم این چه موضوعی است کمیسیون اصلاً وقتی که نشست و این ماده را تنظیم کرد هیچ نظرش باین نبود که بگوید اجزاء بلديه حتماً قانون استخدام شاملشان بشود علاوه محلی بودن یکی از نظریات کمیسیون بود که در تبصره وقتی ملاحظه فرمائید مخصوصاً خدمت آقای بامداد عرض میکنم تبصره را اگر ملاحظه فرمائید می بینید هیچکس را حق نداده مگر محلی را برای اینکه عقیده بنده شخصاً این است که برای تمام ادارات وقتی در محل اشخاصی باشند یعنی صلاحیت داشته باشند بنده عقیده ام این است که از همان اهل محل باید انتخاب شوند نه از طهران یا جای دیگر که چه فرق نمیکند طهران یا سایر جاها ولی وقتی که در محل باشند اشخاصی که صلاحیت داشته باشند يك اداره را ترتیب بدهند و تنظیم کنند البته بهتر است و کمیسیون هم همین عقیده را داشته است و اما اگر يك عده بودند که تصور فرمائید مشمول

قانون استخدام نیستند و این قانون ظالمانه که همه آقایان عقیده دارند بد قانون است و ابتدا در صدد اصلاحش هم بدستیم این قانونی که امتیاز فضلی را از بین برده است هیچکس نمیکوید که يك اداره بلديه که باید ملی باشد قانون استخدام شاملش بشود و اینکه آقا فرمودند يکنفر از اهل محل شاید پیدا نشود دو سه نفر هم از اهل محل ممکن است پیدا شوند. نظر کمیسیون هم همین بود که پیشنهاد کرد!

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بعنوان تبصره در آخر ماده ۴۳ اضافه شود مخارج اداری بلديه هر شهر و قصبه نباید زیاده از عشر تمام بودجه آن شهر و قصبه بشود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - غالباً دیده شده هر امری را که اداری میکنند آنقدر خرج میزدند و صندلی و رئیس و منشی درست میکنند که آن وجه بمصرف مقصود هیچ نمیرسد. غالباً این شکل دیده شده. باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم بعنوان تبصره اضافه شود در آخر ماده که مخارج اداری هر بلديه یعنی مخارج آن اشخاصیکه نوبی اطاق میزد صندلی مینشینند مخارج آنها زیاد از عشر مخارج بلديه هر محلی نشود که آنوقت لافش یا دو نلش را بر ندارند مخارج اداری کنند بعد بجهت سایر مخارج شهر یا قصبه هیچ باقی نماند یا اگر بمالد يك چیز خبلی جزئی و قلبی باقی بماند بنده باین ملاحظه این پیشنهاد را کردم که مخارج اداری بلديه هر شهر یا قصبه زیاده از

عشر تمام مخارج بلديه آنجا نباشد.

مخبر - این نظر کاملاً مورد توجه کمیسیون داخله هم بوده است و اگر هم در مواردی که جدیداً از کمیسیون میآید و طبع شده است ملاحظه فرمائید در ماده ۲۵ کاملاً تصریح شده است که حقوق اعضاء بلديه از صدی بازده کل بودجه زیاد تر نباشد و نظر آقا تأمین شده است.

فیروز آبادی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر

(باین مضمون قرائت شد)

ماده ۴۳ را این نوع پیشنهاد میکنم

اعضاء و اجزاء اداره بلديه مطابق نظامنامه که انجمن بلدی برای اعضاء و اجزاء خواهد معین کرد انتخاب خواهند شد آقا سید یعقوب - ملک مدنی - خطیبی

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - نظر مجلس و نظر ما که این پیشنهاد را کردیم این بود که خود انجمن بلدی نظامنامه تهیه کند و هر طور که صلاح دید ترتیبات آنجا را اداره کند و البته انجمن محلی مقتضیات محلی را بهتر میتواند تشخیص بدهد تا وزارت داخله یا حاکم. يك مؤسسه که ما میخواهیم او را آزاد بگذاریم دیگر نباید در کار آنها دخالت کند و اینکه آقای ضیاء اشاره کردند که در محل اگر مستخدم یا سابقه باشد خیال میکنم این اشخاص اگر صلاحیت داشته باشند در محل خود انجمن آنها را در نظر بگیرد برای استخدام بلدی و هیچ احتیاج ندارد که ما مداخله کنیم اساساً باید این مؤسسه را آزاد گذاشت و بهیچوجه وزارت داخله و اینها نباید مداخله بکنند این مؤسسه ملی بمعنای خودش باید باشد که بتواند يك کار هائی در محل بکند

مخبر - بطوریکه قبلاً هم عرض کردم در این ماده کمیسیون نظر نداشته است انجمن را محدود کند و استقلال انجمن را از بین ببرد بلکه کاملاً این نظر را

داشته است ولی يك مسئله مهمی نیست که همه آقایان در نظر دارند و مخصوصاً در شور اول هم عده زیادی از آقایان نمایندگان پیشنهادی در آن خصوص کردند و بکمیسیون ارجاع شد و آن حفظ حقوق استخدامی مستخدمین فعلی است که فعلاً در مراکز و ولایات هستند شما اگر بخواهید این ماده را باین طریقی که پیشنهاد کرده اید تصویب کنید این اشکال پیش خواهد آمد و حقوق يك عده زیادی از مستخدمین که محلی هستند و مشمول قانون استخدام از بین خواهد رفت این است که برای حفظ حقوق آنها و ضمناً رعایت استقلال انجمن و اینکه انجمن اختیار داشته باشد اعضاء اداری بلديه را معین کند ماده را با تبصره باین شکل نوشتیم و خیال می کنم نظر آقایان با این اضافه تأمین شده و رعایت حقوق تمام مستخدمین و اعضاء بلديه میشود

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را ..

بعضی از نمایندگان - مجدداً قرائت شود

(ثانیاً قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. با سایر پیشنهادها مراجعه

بکمیسیون میشود

بعضی از نمایندگان - نفس

(در اینموقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از

نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده چهل و چهارم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - اداره بلديه هر ششماه بکمرته صورت

جامعی از کلیه اموال منقول و غیر منقول متعلقه بشهر ترتیب و صورت حساب بلديه بضمیمه راپرت اقدامات خود بانجمن تقدیم و انجمن در ظرف یکماه مراجعه و

مداقه نموده و امر بطبع و توزیع خواهد داد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اداره بلدیہ البتہ بک تکالیف و وظایفی دارد . تکالیف و وظایف اداره بلدیہ منحصر باین جزء مخصوص نیست اگر تمام وظایف را یعنی آن وظایف اصلی را انجام میدهد و نتیجه اش را رابت میدهد خوب بود اینجا قید میکردند که اداره بلدیہ مکلف است بر طبق این قانون دستور العملهای انجمن بلدی وظایف خودش را انجام دهد از جمله این قسمتی بود که اینجا ذکر شده و اگر مخصوصاً لازم میدانید که این قسمت را بخصوص ذکر کنید بنده حرفی ندارم لیکن اگر بخواهید تمام وظایفش را فراموش کنید و منحصر بک وظیفه برای او مقرر فرمائید این قسمت بخصوص را ذکر کنید بنده مخالفم .

مخبر - انجام وظایف اداری بلدیہ بر طبق نظامنامه هائی است که تدوین خواهد شد . این مسئله مربوط بکارهای داخلی بلدیہ نیست . این از نقطه نظر اطلاع عموم است که ملزم باشد بلدیہ صورت اموال خودش و عملیات خودش را با اطلاع عموم برساند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است ؟

( گفتند بلی کافی است )

رئیس - پیشنهاد آقای میر ممتاز

( بمضمون ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم بعد از اداره بلدیہ علاوه شود (مکلف است موافق این قانون و دستور العمل های انجمن بلدی امور بلدیہ را مرتب و اداره نموده و (هر) بعلاوه کله شهر به (بلدی) تبدیل شود .

رئیس - آقای میر ممتاز

میر ممتاز - اگر چه بک قسمت از توضیحات بنده را ملاحظه فرمائید منظور پیشنهاد در این قسمت پیشنهاد

این بود که مستخدمین و هیئت اداری بلدیہ بعلاوه این که مطابق نظامنامه که آقای مخبر فرمودند وظایف خودشان را انجام میدهند مکلف باشند که مطابق دستور انجمن رفتار کنند زیرا ممکن است در بعضی مواقع بک مقامات دیگری بک تکالیف و دستورات میدهند . اداره بلدیہ که او مرده است که بالاخره او را اجرا و عمل کند یا نه و مطابق تجربه هم که شده این جور مواقع پیش آمده این بود که با احتیاط آتیہ از تجربیات گذشته این پیشنهاد را بنده کردم که مقید و مکلف باشند مطابق دستور العمل انجمن بلدی و این قانون رفتار کنند

مخبر - مجدداً قرائت شود

( بشرح سابق قرائت شد )

مخبر - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

( بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم در ماده ۴۴ عبارت طبع و توزیع حذف شود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در آن موضوعی که آقای احتشام زاده قبول کردند من خیلی تعجب میکنم دخالت هیچ کس درین نیست! قانون نوشته میشود باید بلدیہ اجرا کند . هیچکس نمیتواند برخلاف قانون دستور بدهد بنده تعجب کردم که این حرفها در مجلس زده شد این کلمه را که آقا قبول کردند معنی ندارد قانون را چرا ضایع می کنند ؟ قانونی که در مجلس نوشته میشود و میرود کی حق دارد مداخله کند ؟ این چه حرفی است که میزنید !؟ . اما راجع باین مخارج بعد از آمدن دکتر میلسپو بک مخارج گزافی میکردند صحیبه بر میدارد ششاه بششاه مبالغی خرج میکنند بابا اینرا خرج صحیبه بکن اداره بلدیہ هم همینطور بنده هم چون مثل آقای فیروز آبادی امته بخششاش میکنم خرج این پولها را در غیر مصارف

مخالف هستم انجمن بلدیہ صورت را بدهد اداره بلدیہ دیگر طبع و توزیع کردن لازم نیست این خرج را خرج شهر کنند

مخبر - مسئولیت انجمن بلدیہ در مقابل موکلین آنها است که آنها را انتخاب کرده اند و برای اینکه مردم باید بدانند عملیات و کلاء خودشان را و بالاخره ممکن است بک انجمنی در دوره خودش بک عملیاتی بکنند که اگر مکتوم باشد مردم نمیدانند این مسئله پیش بیفتی شده زیرا مردم باید بدانند انجمن بلدیہ و اداره بلدیہ چه کرده است این بک اصلی است که بنده خیلی لازم میدانم و مخصوصاً از نقطه نظر اینکه مردم کاملاً بدانند که اعضاء انجمن چه کار هائی کرده اند این قید را لازم میدانم

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب . آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

( چند نفری برخاستند )

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فیروز آبادی ( بشرح ذیل خوانده شد )

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴۳ نوشته شود: کلیه اموال منقول و غیر منقول متعلق به بلدیہ شهر

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در ماده چهل و سه نوشته ( اداره بلدیہ هر ششماه بک مرتبه صورت جامعی از کلیه اموال منقول و غیر منقول متعلقه بشهر )

بنده عقیده ام این است که عوض متعلق بشهر خوب است بنویسیم متعلق به بلدیہ شهر زیرا غرض از اموال منقول و غیر منقول اموال منقول و غیر منقول بلدیہ است حالا ممکن است بعضی ها سوء استفاده کنند و بروند اموال مردم را هم بعنوان اموال شهر صورت بدارند از این جهت برای اینکه در آتیہ زحمتی برای

مردم و شهر تولید نشود بنده پیشنهاد کردم کله بلدیہ هم به عبارت ماده اضافه شود

مخبر - این بدیهی است . به علاوه در ضمن پیشنهادی که آقای میر ممتاز کردند این مقصود تأمین شده

رئیس - رای گرفته میشود باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( معدودی قیام کردند )

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای ضیاء

( باین کیفیت خوانده شد )

پیشنهاد میشود که بعد از مذاقه نموده علاوه شود در جرایم منتشر سازد

رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - آقایان این قسمت را توجه فرموده اند که راجع باموال منقول و غیر منقول متعلق بشهر و بلدیہ و صورت حساب بلدیہ نوشته شده است در هر شش ماه بکمرتبه طبع و توزیع نمایند اصل ماده این طور است و اگر بنا شود رساله مانند طبع و توزیع نمایند شاید محتاج به کتابخانه باشد و این قطعاً گران تمام میشود و خواهد شد از این جهت بنده معتقدم که نوشته شود در یکی از جرائد منتشر خواهد شد و این البته سهل و ساده تر است

مخبر - بنده با این نظر کاملاً موافقم در نقاطی که روزنامه نیست البته اداره بلدیہ بوسیله جرائد صورت حسابش را منتشر خواهد کرد ولی خوب است آقا این فکر را هم فرمایند که در اغلب شهرها شاید روزنامه نباشد . بنا بر این شما خوب است طوری پیشنهادتان را بنویسید که هر دو نظر را تأمین کند . در نقاطی که روزنامه هست بوسیله روزنامه و در نقاطی که روزنامه نیست بوسیله دیگری این کار را خواهد کرد

ضیاء - استدعا دارم نوشته شود در بک روزنامه منتشر شود

رئیس -- رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای بامداد (باین عنوان خوانده شد)

پیشنهاد میکم ۶ ماه تبدیل به یکسال شود مخبر - بنده قبول میکم

رئیس -- پیشنهاد آقای ملک مدنی (باین شرح قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینامم هر يك سال يك مرتبه صورت و خلاصه جمع و خرج عملیات خود را در شهرهایی که مطبوعه هست طبع و توزیع نمایند

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مقصود بنده از تقدیم این پیشنهاد این است که يك شهر های کوچک یا قصبان در مملکت هست که بلدیه دارد ولي اساساً محتاج نیست که صورت عملیات جمع و خرج خودش را طبع و توزیع کند. برای اینکه بقدری شهر کوچک است که احاد و افراد آن بقدری با وکلای بلدی خود تماس دارند که هیچ لازم نیست طبع و توزیع شود. بعلاوه این يك خرج زائدی خواهد بود. از این نقطه نظر و از نقطه نظر اینکه غیر از در شهر های درجه اول از قبیل همدان، کرمان، اصفهان در سایر جاها اولاً مطبوعه نیست اگر بنا باشد بطوریکه در این جا نوشته شده طبع و توزیع شود در بعضی از شهر های کوچک بلدی با ماهی صد و پنجاه تومان عایدی چطور میتواند این کار را بکند

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - عرض میکم نشر اطلاع و مطلع کردن اشخاص اساساً يك صرفه هائی دارد. يك مسائلی است که کوچکی و زرگی شهر در آن تاثیر و دخالتی ندارد. چه شهر باشد چه قصبه هر چه باشد باید آن کارها را

کرد. بنده با آن نظر آقای آقاسید بعقوب که میفرمودند باید در مخارج و مصارف تقلیل کرد و بیشتر عوائد را با احتیاجات محلی شهر اختصاص داد موافقم این مسئله با آن ذکر بیکه مورد قبول شد که در يك سال يك مرتبه باید طبع و توزیع شود تأمین شد ولی این که در این جا نوشته شده باید طبع و توزیع شود البته مشروط بر این است که در آن نقاط مطبوعه باشد و وسائل و موجبات انتشار باید در آن نقاط فراهم باشد ولی توجه آقای را میخواهم باین نکته جلب کنم که خلاصه صورت حساب که نوشته اند يك چیز مضحکی است بطور خلاصه نمیشود يك صورت دو هزار تومانی را مثلاً معین کرد و البته بطور کلیات باید ذکر کرد و الا این نظری که آقایان دارند که صورت حساب را بطور خلاصه منتشر کنند در تمام محاسباتی که ما داریم صورت خلاصه هیچگونه استفاده ما نخواهد داد و ما تجربه داریم نظر بنده این است که صورت حساب باید مشروح و مفصل باشد تا عامه از جزئیات و از طرز مسائل آگاه شوند و اطلاع پیدا کنند بنا بر این خواهش میکم آقای ملک مدنی هم با آقای بامداد موافقت فرمایند که در هر سال يك مرتبه صورت مشروح منتشر شود

ملک مدنی - بنده استرداد میکم

رئیس -- پیشنهاد آقای افسر

(باین نحو قرائت شد)

در انجمن بلدی را برای قرائت اشخاص باز گذاشته که همه سس بتواند اطلاع پیدا کند

رئیس -- آقای افسر

افسر - بالاخره این نظر را بطور کلی نباید داشت که همه جا مثل طهران یا تبریز و مشهد است و مطبوعه دارند. شاید متجاوز از صد جا انجمن بلدی باشد ولی فقط در چهل جا ممکن است مطبوعه باشد دلیلش اینست که خیلی زحمت دارد و گران تمام خواهد شد مخارج چاپ را

ملاحظه فرمائید چه قدر می شود وزارت داخله در این مخارج نفتیش میکنند وقتی که دید مخارج اداری چهار برابر مصارف شهری است آنوقت چه باید کرد. همه اینها را باید در نظر داشت. اینکه آقا فرمودند مردم باید اطلاع از کار انجمن بلدی پیدا کنند و ما مردم را باید مأنوس کنیم باینکه بروند و اطلاع پیدا کنند مردم عاشق علمیات هستند نه عاشق الفاظ اگر مقصود اطلاع مردم است بوسائل مقتضیه در هر جا اقدام نمود بهتر است در جاها نیکه که روز نامه هست بوسیله روز نامه و اگر هم روز نامه نیست به وسائل دیگر به مردم اطلاع دهند. بلدییه طهران ماهی چهل هزار تومان عایدی دارد ولی بعضی نقاط دیگر هست که شاید صد و پنجاه تومان عایدی ماهیانه بلدییه است و بنده معتقدم حالا که مقصود اطلاع مردم است که در خود انجمن بلدی خلاصه جمع را با صورت مشروح تهیه کنند و در آنجا بگذارند و برای مردم آزاد باشد هر کس میخواهد آنجا برود و ملاحظه کند غرض این است در جاهائی که اینقدر مهم نیست و عایدات زیاد هم ندارد يك مخارج کزانی کردن بنده مقتضی میدانم و عقیده ندارم. فقط باید يك کاری کرد که در دسترس عموم گذاشت و اشخاصی که مایل و علاقه مند هستند که به بینند باید بانها ارائه داد

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - قانون که جلسات انجمن را علنی قرار داده برای این است که مردم از اطلاعات استفاده ببرند و اگر يك کسی میخواهد برود و نگاه کند آزاد باشد ولی آن نظری که آقای افسر دارند بنده گمان میکم باید تصحیح کرد ما در عصری هستیم که اطلاعات را باید مردم تحمیل کنیم و بالاخره امیدواریم انشاءالله بزودی برسیم که خود مردم بیابند و در کار انجمن بلدی نفتیش کنند. ما در این جا هر دو کار را کردیم از يك طرف در انجمن باز است برای اشخاصی که میخواهند

بیابند ولی باید عرض کنم که عده این اشخاص خیلی کم است از این جهت ما باید بوسیله دیگری بمردم اطلاع بدهیم و مردم را مأنوس کنیم باینکه بروند اطلاع پیدا کنند خوب است نماینده محترم موافقت فرمایند که ما این لایحه را بگذرانیم یعنی صورت جمع و خرج بلدییه را در هر سال يك مرتبه اقلان منتشر کنیم این طرز زندگانی در مملکت ما معمول بوده امیدواریم يك وقتی هم بآن مرحله برسیم

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای افسر آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند... افسر - پیشنهاد را ملاحظه فرمائید از نواصلاح کرده ام

(پیشنهاد آقای افسر بضمون آن خوانده شد)

پیشنهاد میشود که بتقریب ذیل اصلاح شود: سالی يك مرتبه بوسائل مقتضیه با اطلاع اهالی برساند

رئیس -- آقای افسر

افسر - بنده توضیح دادم. مقصود این است که به اطلاع اهالی برسانند در بعضی جاها که چاپ و روز نامه هست بوسیله روز نامه و در جاهائی که نیست به وسائل مقتضیه این کار بشود

رئیس -- رای میگیریم باین پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه شد مراجعه میشود بکمسیون دادگر - به کمسیون چرا برود. مخبر نظیرش را قبول کرده.

رئیس -- اگر شکش را پذیرفته بودند حالا هم قبول میکردند. ماده چهل و پنجم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - مدیر و اعضاء و مستخدمین جزء بلدییه دارای لباس و علائم مخصوصی خواهند بود که وزارت داخله

موجب نظامنامه علیحده تصویب مینماید  
تبره - وکلای بلدیہ و کلیه اعضاء و مستخدمین جزء  
و کارکنان بلدیہ باید البسه وطنی بپوشند و متخلفین  
مشمول ماده سوم قانون البسه وطنی مصوب ۲۰ دلو  
۱۳۰۱ خواهند بود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده آنچه حس میکنم يك اختلافی این  
جا بوده است لایحه که اصلاً تقدیم شده نظارش این بود  
که تمام کارها را برگردانند و شبیه کنند بطهران و  
نایباً در تحت نظر وزارت داخله باشد تمام این اختلافاتی  
که ملاحظه میکنید ناشی از این است. اولاً باید دانست  
که ولایات مثل طهران نیست. نایباً وزارت داخله چکار  
دارد بولایات؟ چه اطلاع از وضعیات داخلی يك شهری  
دارد؟ اصلاً دخالت وزارت داخله در امورات داخلی يك  
شهری چه از و نتیجه خواهد داشت؟

این ماده بیک اعتبار دو قسمت میشود یکی این است  
که اعضاء و مستخدمین جزء بلدیہ باید دارای علائم  
و لباس مخصوصی باشند قسمت دوم این است که میکوبید  
وکلای و اجزاء و اعضاء، سپور، چراغ روشن کن و غیره  
همه باید لباس وطنی بپوشند. البته باید بپوشند ولی  
عرض میکنم سؤال کنید به بینید اعضاء جزء بلدیہ های  
ولایات چقدر حقوق دارند ماهی پنج تومان شش تومان  
هفت تومان یا کمتر بلکه اطمینان میدهم که ماهی سه  
تومانی هم دارد اگر بنا شود اینها لباس وطنی بپوشند.  
بکنفر از نمایندگان باید بپوشند

کازرونی - بله بله باید بپوشند ولی چه جور ۱؟ وکلای  
بلدیہ که افتخاری کار میکنند و بیک کسی که برای شرافت  
و حیثیت خودش میآید کار میکنند چرا باید اینقدر  
الزامات قرار داد؟ این ماده برای عملی شدن است یا  
نشدن در هر صورت این ماده بجز اعمال و صرف کردن  
آن اقتدرانی که شاید جز يك صورت ظاهر چیز دیگری  
نباشد و برای رفیه حال اهالی هم چندین مفید نیست

فائده دیگری ندارد. بعقیده بنده باید سعی کرد عمل  
را بر وفق احتیاجات مردم تطبیق کرد نه اینکه صورت  
ظاهر را درست کرد. اعضاء و اجزاء و سپور و غیره را  
مکلف کردن که لباس وطنی بپوشند و يك حقوق خیلی  
کم بدهند. چه فائده دارد و باین ترتیب بودجه  
بلدیہ و شهر تکافو نمیکند در اینصورت این چه تکلیفی  
است بر مردم فقیرین بضاعت که اولاً بیایید آنها را  
متحد الشکل کنید و يك لباس مخصوص و علامت مخصوصی  
برای آنها تهیه کنید و از طرف دیگر لباسشان را  
وطنی کنید در صورتیکه بودجه هیچ ندارد؟ از کجا  
آن بیچاره می تواند این وظائف را انجام دهد؟ در هر  
صورت بنده عقیده ام اینست که این يك امری است افتخاری  
و خود مردم وجداناً باید این کار را انجام دهند و وارد  
کردن این قبیل امور در قانون با این وضعیاتی که امروزه  
ما داریم خاصه در ولایات به عقیده بنده بکلی بی مورد  
است.

رئیس - آقای عهادی

عهادی - بنده گاهی اوقات از فرمایشات آقای کازرونی  
متحیرم که چه میفرمایند. يك رنگ لباس معین کردن  
بایک فورم و باتشکیلات معین نسبت بیک اداره اولاً این  
چه زحقی دارد؟ ادارات باید در مملکت صاحب يك صورت  
معینی در جامعه باشند و ملت هم باید بداند که فلان  
دسته مثلاً مأمور انجام چه وظیفه و امری هستند. در  
تمام دنیا هم همینطور است. آن وقت ما بیائیم يك امر  
من درآوردی از خودمان درست کنیم بنده کجا نمیکم  
چندان مقتضی. باشد البته اعضاء و اجزاء ادارات  
هر کدام باید دارای يك لباس و علائم مخصوص متحد الشکل  
باشند. اما آقای کازرونی نظر بکثرت رغبتی که ملت  
دارند لباس وطنی را عقیده ندارند. يك دفعه آقای  
وطن خودشان را می کنند و يك دفعه با وطن طرف  
میشوند (خنده نمایندگان) و بنده نمیدانم کدام را قبول کنم  
در هر حال از آقا استبدعا دارم با این ماده موافقت بفرمایند

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی  
( بشرح ذیل خوانده شده )

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود کلیه اعضاء و  
مستخدمین جزو و کارکنان بلدیہ باید البسه وطنی بپوشند  
تا آخر و وکلای بلدیہ حذف شود از این تبره.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - آرزوی بنده این است که يك وقتی  
بشود که تمام مردم لباس وطنی بپوشند. به آقایان وکلاء  
هم هر چه عرض میکنم نمی پوشند حتی برای اجزاء و  
اعضاء دولتی از مجلس يك قانون گذشته که مکلف کرده  
آنها را باینکه لباس وطنی بپوشند. گرچه تا کنون عملی  
نشده ولی امیدوارم عملی شود. اما در این قانون  
يك قیدی است نسبت بوکلای بلدی. ایشان چون مجانی  
و افتخاری کار میکنند به عقیده بنده باید آزاد باشند  
زیرا کسانی را که حقوق نمیگیرند نباید مقید کرد ولی  
آنهايي که حقوق میگیرند باید مجبور باشند که لباس  
وطنی بپوشند. آقایان فرمودند نمی توانند استعمال کنند  
بنده نمیدانم چطور نمیتوانند در صورتیکه لباس وطنی  
ارزان تر از البسه خارجی است کسی که فرضاً ماهی سه  
تومان واجب دارد. غیر از لباس وطنی اصلاً البسه دیگری  
نمیتواند بخرد و استعمال کند گذشته از این لباس وطنی  
هم ارزان تر است و هم بهتر و مناسب تر قبای بنده  
ذریع سه قران است و پارچه خارجی ذریع سه تومان  
اگر حقوق اینها کم است بطریق اولی باید لباس وطنی بپوشند

رئیس - آقای دادگر

دادگر - استدلالی که آقا فرمودند نتیجه اش غیر  
از این بود که فرمودند البته شوق استعمال البسه وطنی  
را در همه جا باید ب مردم تزریق کرد. شما خودتان مشوق  
لباس وطنی بودید. خوب حالا اگر غیر از مستخدمین  
دیگر آنها لباس وطنی بپوشند مگر عیبی دارد؟ این رویه باید  
در همه جا مراعات شود اما راجع باینکه فرمودید مستخدمین

باید بپوشند و وکلا نباید بپوشند بنده مخصوصاً عرض می  
کنم اول وکلا باید بپوشند زیرا از نقطه نظر استعمال  
البسه وطنی همه مساوی هستند. اما از نقطه نظر اداره  
و تظاهر در اداره و يك قیافه واحد داشتن باید وکلای  
بلدیہ هم ملبس لباس و علائم مخصوص باشند بنده قطع  
دارم پس از شنیدن عرایض بنده آقا برای تعقیب همان  
نظریه که خودشان هم تصدیق دارند موافقت بفرمایند  
و اجازه بدهند که همه مشمول این قانون باشند

رئیس - رأی میکنیم آقایان بیکه این پیشنهاد را قابل  
توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری قیام کردند )

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو  
( باین مضمون قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۵ حذف شود

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده از دو نقطه نظر این پیشنهاد  
را کردم. اولاً وقتی که ما معتقد شدیم که اداره بلدیہ  
خودش باید نظامنامه خودش را بنویسد هر طور مصلحت  
دالست این موضوع را هم در نظر بگیرد. و البته  
خودش این دقایق را مراعات خواهد کرد دیگر لازم  
نیست ما در اینجا ذکر کنیم. راجع بالبسه وطنی هم  
يك قانونی از مجلس گذشته البته محترم است و باید  
اجرا شود قانون گفته او البته مستخدمین هم باید به  
پوشند دیگر لازم نیست در هر مورد هرروزه مانع  
کنیم که البسه وطنی باید بپوشند این يك چیزی است  
که بموجب قانون معین است.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرضی ندارم

مخبر - نماینده محترم اگر در نظر بیآورند قانونی  
که سابقاً برای انجمن بلدیہ نوشته شده آنوقت ملاحظه  
میفرمایند که در آنجا قید شده لباس کلیه کارگران و

اعضای بلدیہ باید يك شكل باشد و علتش هم معلوم است اشخاصی که فامور انجام يك کارهایی هستند باید در خارج معلوم باشند و شناخته شود به علاوه از نقطه نظر متحد الشكل بودن عموم اعضای اداری این قید لازم است اما در قسمت دوم که استعمال البسه وطنی باشد خیال میکنم بخود نماینده محترم پیش از همه کس علاقه مند هستند باین موضوع و تصور میکنم اگر در این جا ما این قید را بکنیم ضرری ندارد زیرا شاید اعضاء و اجزاء بلدیہ خودشان را مشمول قانون البسه وطنی بدانند از این جهت ما آنها را در این قانون مقید کردیم که باین وسیله البسه وطنی استعمال کنند .

رئیس -- آقایانیکه . . .

آقا سید یعقوب -- مال بنده هم هست

رئیس -- میدانم . پنج شش نفر از آقایان پیشنهاد حذف کرده اند . رأی میکنیم باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
( اکثر نمایندگان قیام کردند )

رئیس -- قابل توجه شد مراجعه میشود به کمیسیون بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه .

رئیس -- بقیه مذاکرات می ماند برای روز یکشنبه

( مجلس چهل دقیقه از ظهر گذشته ختم شد )